

غلام محمد طاهری مبارکه

ریشه‌های تاریخی و اساطیری نوروز



به نام خداوند جان و خرد

ریشه های تاریخی و اساطیری نوروز

غلام محمد طاهری مبارکه



سرشناسه: طاهری مبارکه، غلام محمد، ۱۳۳۶

عنوان و نام پدیدآور: ریشه‌های تاریخی و اساطیری نوروز / غلام محمد طاهری مبارکه

مشخصات نشر: مبارکه اصفهان: نامه خسروان، ۱۳۹۷،

مشخصات ظاهری: ص: ۱۴۰ / ج: ۲۱۰ × ۲۱۰ م:

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۸۱-۵-۲

و ضعیت فهرست نویسی بر اساس: فیبا

پادداشت: کتابنامه

موضوع: ۱- نوروز - ۲-

(Nawruz (Festival))—History

Nawruz (Festival)—History

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ آ۲۲ ط۴۸۷۴

رده بندی دیوبی: ۳۹۴/۲۶۹۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۸۲۰۶۵



نشر نامه خسروان (مبارکه ۰۳۱ - ۰۲۴۰۲۵۳۳)

ریشه‌های تاریخی و اساطیری نوروز

نویسنده: غلام محمد طاهری مبارکه

چاپ: اول / قطع رقمه: ۸۰ صفحه / شمارگان ۱۰۰۰ نسخه / قیمت چاپ اول ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۸۱-۵-۲

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات نامه خسروان است و هرگونه کپی، ترجمه، تکثیر چاپی و الکترونیکی بدون اجازه کتبی از ناشر غیر قانونی و قابل پیگرد است.

فهرست مطالب :

| | |
|----|--|
| ۵ | پیشگفتار..... |
| ۹ | نوروز جشن کشاورزان و چوپانان..... |
| ۱۰ | نوروز سالگرد آفرینش انسان..... |
| ۱۱ | دیدگاه دکتر راه آموز گار..... |
| ۱۲ | گاهنبارها..... |
| ۱۳ | نوروز و نیایش ایزد ریپتوین (ریپهونین)..... |
| ۱۸ | پیوند جمشید با نوروز..... |
| ۲۲ | ثابت ماندن نوروز از دوره‌ی داریوش هخامنشی..... |
| ۳۲ | جمشید همزاد زمینی میترا..... |
| ۳۴ | دیدگاه دکتر مهرداد بهار..... |
| ۳۹ | دونمایه‌های نوروز..... |
| ۴۳ | نوروز و بحار الانوار مجلسی..... |
| ۴۴ | نوروز در زمان ساسانیان..... |
| ۴۷ | نوروز و موسیقی..... |
| ۵۲ | اسامی سی روز ماه در ایران باستان..... |
| ۵۴ | اسامی و معانی دوارده ماه سال..... |
| ۵۵ | در باره فروردین / فروشی‌ها..... |
| ۶۱ | دیدگاه ابو ریحان بیرونی..... |
| ۶۷ | جیمز فریزر و آیین کوسه بر نشین..... |
| ۷۱ | دیدگاه کریستن سن..... |
| ۷۳ | سیزده بدر و نمادهای آن..... |
| ۷۷ | فهرست منابع..... |

با سپاس:

شهین ابراهیمی: امور رایانه ای

صفیه احمدپور مبارکه: حروفچینی و صفحه آرایی

هستی شهابی کیا: سرویر استار

یسنا طاهری مبارکه: ناظر فنی چاپ

پیشگفتار:

نوروز؛ همواره گستردۀ ترین، ماناترین و باشکوهترین جشن ملی ایرانیان در درازنای تاریخ پر پیچ و خم سرزمین اجدادی ما بوده است. جشنی که هنوز پرتوان و با صلابت در حوزه‌ی فرهنگی ایران بزرگ با آمدن هر باره‌ی بهار و روییدن دوباره‌ی سبزه زارها به بزرگی و گستردگی دشتها و کوهها و به وسعت قلبهای مهریان مردمان باورمند به آن هرسال برگزار می‌شود. براستی چگونه است که این جشن؛ چندین هزار سال است تداوم یافته و با سخت جانی در خانه‌ی میلیونها انسان را در ساعتی معین و مشخص در هر فروردین به صدا در می‌آورد و مردمان نیز با رویی گشاده؛ با شادمانی واز دل و جان پذیرای او می‌شوند؟ نوروز از کجا می‌آید؟ ریشه‌های تاریخی آن از کی و از کدامین سرچشمۀ مایه می‌گیرد؟ چگونه مردمان باستانی ایران کهن با آن ابزارهای ساده توانسته بودند این‌گونه دقیق و شگفت‌انگیز گردش زمین به دور خورشید را محاسبه کنند؟ وجود چارتاقی‌ها در پهندشت ایران گواه روشنی از شناخت آن مردمان در روزگاران کهن از نجوم و

گاهشماری است. به گونه‌یی که هنوز با پیشرفت روزافزون علمی ما در این دوران تفاوت‌های چندانی ندارد.

هر چند نوروز دیگر خودرا با نیازهای امروزین مردمان سرزینها و با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی این مردمان سازگار کرده و دیگر شاید کمتر کسی از مبنای فلسفی و ساختار اسطوره‌یی و تاریخی آن اطلاعی درخور داشته باشد اما بر ماست که عناصر تشکیل دهنده‌ی آن را بشناسیم و نوری بر زوایای تاریک آن بتابانیم تا چهره‌ی زیبای آن را بهتر بیینیم. در این میان بایسته است که اندکی از باورها و اعتقادات مردم پیش از تاریخ را واکاویم و درک و تلقی نیاکانمان را که امروز نیز آنها را خودآگاه و یا ناخودآگاه به کار می‌بریم بشناسیم. چند مثال بزنم

تا مطلب روشن‌تر شود:



در هزاران سال پیش مردمان می‌دیدند که طبیعت در زمان معینی می‌میرد. سبزه‌ها و درختان خشک می‌شوند اما در زمان معین دیگری دوباره سبزه‌ها از زمین می‌رویند و درختان شکوفا می‌شوند. آنها می‌خواستند راز این نوزایی طبیعت را بدانند. از خود می‌پرسیدند چگونه سرما و برف ریشه‌ی درختان را نخشکانده و از بین نبرده است. آنها به این نتیجه رسیدند که ایزدی به نام ریپهون: (یا: ریپتوین) وجود دارد که با سرد شدن زمین برای نگهداری و حفظ آبهای زیر زمین و گرم نگه داشتن آن و نیز با نگه داری از ریشه‌ی درختان به زیر زمین می‌رود و با آمدن و روئیدن دوباره‌ی سبزه‌ها یعنی با آمدن

فروردين به زمين باز می گردد . و اين در واقع نماد پيروزى بر اهريمن بوده است که شکست خورده و نتوانسته گياحان و درختان را از بين بيرد و اين ايزدي است که با فروردين پيوند دارد ويا مردمان هزاران سال پيش باورداشتند که اهوره مزدا پيش از آن که جهان خاكى را بيافريند فروشى يا فرورد هريک از آفريدگان را در جهان مينوی برای نگهداري از آن آفريده در جهان خاكى به وجود آورده است اين فروشى يا فرورد که از نيروهای نهانی (قوای باطنی) افراد است پس از مرگ از تن جدا گشته به جهان مينوی می گراید اما با آغاز فروردين و با آغاز سال نو برای سركشی به خان و مان خود ده شبانه روز فرود می آيد . برای همين بازگشت فروردها يا فروشی هاست که اين ماه را فروردين می ناميم . به عبارتی با آغاز سال نو ارواح نياكان به خانه باز می گردنند . برای همين ما خانه تakanی می کنيم و خانه خود را پاکيزه و درواقع آماده ی پذيرابي از روح نياكانمان می کنيم و يا در روز نخست فروردين به ديدار مردگان می رويم . ويا ايرانيان باستان بر آن بودند که جهان عمری به درازنایِ دوازده هزار سال دارد و پس از آن آشوب ازلی است . برای همين است که ما دوازده روز عيد را جشن می گيريم و پس از دوازده روز به دامان طبیعت می رويم . چون ايرانيان باستان معتقد بودند که همان گونه که با آمدن فروردين سبزه ها می - رويد و طبیعت دوياره زايش می کند و نو می شود . انسان نخستين نيز از گياه به وجود آمده است . (يادمان باشد داريم از چند هزار سال پيش

سخن می گوییم) بنا براین انسان روزگاران کهن معتقد بود نام این نخستین انسان گیومرث است. البته تلفظ کهن آن گیه مرَّتن یعنی زنده‌ی میرا بوده که سپس تر گیومرت ... و امروزه به آن کیومرث می‌گوییم . آنها معتقد بودند که اهوره مزدا کیومرث را می‌آفریند اما هرچه را که خدای نیکی می‌آفریند اهریمن این اندیشه‌ی پلید از بین می‌برد پس کیومرث را هم اهریمن می‌کشد و نطفه‌ی او بر خاک می‌ماند ... سرانجام از نطفه‌ی کیومرث گیاهی می‌روید که دوشاخه‌ی مساوی از آن پدیدار می‌شود . این گیاه شبیه انسان بوده و اولین زن و مرد با جان بخشیدن اهوره مزدابه نامهای مشی و مشیانه از آن گیاه به وجود می‌آیند . در اینجا می‌توانیم سیزده بدر را باز سازی کنیم . گره زدن دو گیاه یعنی نmad مشی و مشیانه و ...



يا حاجي فیروز کیست؟ دکتر مهرداد بهار برآن است که سیاوش در واقع خدای شهید شونده‌ی گیاهی بوده است و حاجی فیروز نmad آن است روی سیاوش یعنی بازگشت از جهان مردگان و لباسِ سرخش نشانه‌یی از خون اوست و این که چرا نامش حاجی و فیروز است ؟... به هر حال در این کتاب اساسی ترین عناصر نوروز به اختصار آورده شده است که امیدوارم برای خواننده‌ی عادی مفید باشد . گفتنی است که در سر تا سر کتاب عناوین از این جانب است .

نوروز جشن کشاورزان و چوپانان :

در باره‌ی نوروز، این جشن بزرگران و چوپانان، درونمایه و خاستگاه اساطیری و تاریخی آن، نمادها، نشانه‌ها و آیین‌ها و آداب نوروزی، پیک‌ها و سرچشممه‌های نجومی، بررسی تطبیقی آن با کشورهایی که نوروز را بربا می‌کنند و... موارد بسیار دیگر هنوز می‌توان کتاب‌ها نوشت؛ به همان‌گونه که اکنون نیز ده‌ها کتاب و صد‌ها مقاله در حوزه‌ی جغرافیایی نوروز نوشته شده است. من در دفتر دوم نامه‌ی خسروان پیشنهاد دادم که بهتر است اساطیر ایران را «پیوندی» بنامیم زیرا پیکره‌ی یک اسطوره از اجزای همگون و ناهمگون بسیاری ترکیب شده و گسترده‌ی جغرافیای اقوام گوناگونی را در بر می‌گیرد. اکنون نمونه‌ی تمام عیارش اسطوره‌ی نوروز است که به راحتی و به سادگی می‌توان ردپای آن را در زندگی چوپانان و کشاورزان عصر کهن بازسازی کرد چون «گوسفند در زمان معینی می‌زاید و زمین در زمان معینی می‌رویاند، برف زمان معینی دارد... و شکوفه‌ها هم و زندگی چوپانان و کشاورزان در پیوند است با شب و روز و سرما و گرما و زایش چارپایان و آیش زمین و زدن شکوفه‌ها... بنابراین یکی از نخستین قواعدی که انسان برای خود مقرر می‌کند، قاعده شناخت وقت زایش است و آیش و برهمنی بنا اقرار به گردش و آشنایی با اوقاتی که از نظر جوی همانند همند و...» (رجیبی: ۱۳۶۱: ۱۰۰)

و از سویی اسطوره‌ی آفرینش انسان؛ اسطوره‌ی ایزدانی که با آغاز سال نو به زمین باز می‌گردند، اسطوره‌ی سیاوش، اسطوره‌ی رستاخیز و فرود فروهرها و... همه در پیکره‌یی به نام نوروز پیوند می‌یابند. ما در این مورد چکیده‌وار به بعضی از این عناصر می‌پردازیم

پژوهشگری بر آن است که: «مغان مادی نوروز را همچون یکی از عناصر گاهشماری بومی فلات ایران اخذ کردند و در گاهشماری رسمی ایرانیان وارد نمودند.» (ملکزاده؛ ۱۳۷۹: ۲۷) ایشان می‌نویستند: همان‌گونه که: «براساس کهن‌ترین روایات یونانی و لاتین و هم تجزیه و تحلیل فلسفی عقاید نخستین متفکران یونان قدیم مانند فیثاغورس و افلاطون تاثیر اندیشه‌های مزدیسنایی مغان مادستانی بر فلسفه‌ی آغازین مغرب زمین پر واضح است.» (همان: ۲۷) نیز: «اسناد و گواهی‌های تاریخی میان‌رودانی (=بین النهرين) و هم یونانی بسیاری از دوره‌ی هخامنشی -دوره‌ی بلافاصل ما بعد دوره‌ی ماد- از حضور مغان مادی و کلدانی اختربین و اخترشمار در بابل‌زمین - و گویا خود مادستان- در دست است.» (همان: ۲۷)



نوروز سالگرد آفرینش انسان :

درباره‌ی نوروز دو پایه‌ی گاهشماری یعنی اخترشناسی و ریاضیات بسیار مهم‌اند؛ اما بايسته است که با توجه به تخصصی بودن این هر دو؛ مطالب عام آنها را بیاوریم، پیش از آن مقاله‌ی ارزشمند دکتر ژاله‌ی آموزگار درباره‌ی نوروز را می‌خوانیم. ایشان برآنند که جشن نوروز سالگردی از

آفرینش انسان است. ما در اینجا بیشتر مقاله‌ی نامبرده را به دلیل اهمیت آن می‌آوریم:

دیدگاه دکتر ژاله آموزگار در باره نوروز:

«در روزگارانی بس کهن، در این سرزمین نیز همچون بسیاری از سرزمین‌های دیگر گاهشماری بر مبنای «ماه» بود. ... گاهشماری بر مبنای ماه در ایران در حدود پنج قرن پیش از میلاد با گاهشماری خورشیدی که رهاوردی از مصر، به دنبال کشورگشایی‌های ایران بود، در آمیخت و نوعی گاهشماری باستانی بر مبنای باورهای دینی نیز بر آن تأثیر گذاشت و پایه‌ی گاهشماری ایران با سیصد و شصت روز، متشكل از دوازده ماه سی روزه، به علاوه پنج روز کیسه گشت.^۱» (آموزگار؛ ۱۳۷۰: ۱۹)

۱۱

^۱ منابع این مقاله در اینجا آورده نشده است؛ به طور مثال این که «گاهشماری خورشیدی رهاوردی از مصر بوده است که به نقل از تقی زاده و کتاب او گاهشماری در ایران قدیم ص ۳ به بعد آمده است. با توجه به این که می‌دانیم پیش از زرتشت (دست کم زمان او را هزار سال پیش از میلاد می‌دانند) مهرآیینی سیترائیسم یا خورشیدپرستی در ایران صدها سال وجود داشته و پس از او نیز ادامه داشته جای پرسی دارد. و نیز دیدگاه کسانی چون پروفسور لش که: «نوروز را در آغاز دوره هخامنشی و پیش از وام گرفتن سال‌شمار مصری، در اول تیر و آغاز تابستان دانسته، سنگ نگاشته‌های داریوش در بیستون و گفته‌ی ابوریحان بیرونی که آغاز سال ایران باستان را پیش از این‌ها در یکم تیر می‌داند، همچنین نظر کریستن سن را تأیید می‌کنند.» (نک: بلوکابشی؛ ۱۳۸۰: ۲۴)

نیز می‌توان سنگ مریع میان چهار ستون کاخ شورا در تخت جمشید را نام برد که یعنی ذکاء با تکیه بر پژوهش‌هایی بر آن است که آن ساعت آفتابی بوده که آغاز روز اول نوروز را به هنگام طلوع خورشید نشان می‌دهد. (همان: ۲۴) شادروان بهار برآئند که نوروز اصل بابلی دارد. و اساطیر نجومی ایران زیر تأثیر اساطیر بین‌النهرین است.

البته خود خاتم آموزگار در ص ۲۹ همین مقاله نوشه‌اند که به دلیل اجرا نشدن درست کیسه نوروز حالت گردان داشته است و همیشه در اعتدال بهاری برگزار نمی‌شده است و نیز نوشته «نوروز سالگردی است از آفرینش انسان» که می‌توان نشان از قدمت نوروز پیش از هخامنشیان دانست.